



پادداشت

مقاومت، همبستگی و هم گرایی، ارمغان خیزش سراسری!

صادق کار



با وجود گذشت دو هفته از شروع اعتراضات مردم علیه گرانی بنزین و به رغم ادعای سرکوب کامل این خیزش مردمی سراسری، در حالی که همچنان حالت فوق العاده امنیتی بر فضای کشور سنگینی می کند و زندان ها پر از زنان و دختران برونمندی است که بخاطر شرکت در خیزش علیه حکومت دستگیر شده اند و سرکردگان حکومت از زدن هیچ اتهامی بر شرکت کنندگان در خیزش پرهیز نمی کنند، اما شواهد متعددی حکایت از آن دارند که جامعه در حال مقاومت در مقابل سرکوب وحشیانه معترضین توسط جنایتکاران حاکم است. جو جامعه پس از کشتار صدها تن از مردم که اکثرشان جوانان برخاسته از میان زحمتکشان مناطق فقیر شهرها هستند، به نظر می رسد مرعوب نشده و مقاومت در مقابل سرکوبگران و همدلی با معترضین بسی گسترده تر از زمان پس از سرکوب جنبش دی ماه ۹۶ است. وجود این مقاومت و تفاوتها با دی ۹۶ را می توان در همه جای کشور دید. مردم نه تنها مرعوب نشده اند، بلکه از حکومت و رفتار آن با معترضین در خشم اند. در شهرهای مانند شیراز، کرمانشاه، اصفهان، شهریار، اهواز، بهبهان و مناطق فقیر نشین جنوب تهران، تنها نشانی که از تسلط حکومت بجای مانده وجود نیروهای امنیتی و اوباشان لباس شخصی است که در بیرحمی و قساوت دست فاشیستها و داعشی ها را از پشت بسته اند. سخنرانی های خامنه ای و روحانی و امامان جمعه، در خصوص ماهیت و منشاء این خیزش و اتهامات دروغی که علیه مردم شرکت کننده در آن می زند، مورد نفرت مردم قرار دارد. در روزنامه ها کارشناسان اقتصادی و جامعه شناسان تصویری از رویدادها و تصمیم به گران کردن بنزین ارائه می دهند که آشکارا در تقابل با تفاسیر خامنه ای، روحانی و امامان جمعه دارند. عوامل سرکوب که خوب از وجود این مقاومت و روحیه مردم اطلاع دارند، با درست کردن داستانهای عجیب و غریب سعی می کنند روحیه همبستگی کم سابقه و سمپاتی نسبت به خیزش کنندگان را تضعیف کنند. وزیر کشور تظاهرکنندگان را به داشتن تیربار و سنگر بندی متهم می کند. سخنگوی دولت معترضین را به بستن نارنجک به لوله های پتروشیمی در عسلویه، یک نماینده مجلس ادعا می کند که معترضین مجهز به آر پی جی بودند و وزارت اطلاعات دولت مدعی بازداشت ۸ جاسوس در میان تظاهر کنندگان می شود. اینها تنها بخشی از این اتهامات جعلی هستند. همگی آنها در حالی سیل اتهامات بسوی مردم به تنگ آمده از حکومت را روان می کنند، که هنوز با وجود تائید بازداشت ۷ هزار نفر مشغول بازداشت شمار بیشتری هستند و قطع اینترنت همراه هنوز برطرف نشده است.

آثار عقب نشینی رژیم از افزایش قیمت بنزین و عملکرد حکومت نیز در این جا و آنجا دیده می شود. دلیل اصلی این عقب نشینی تدریجی چیزی جز ابهت قدرت مردم که در خیزش آبان ماه خود را به نمایش گذاشت نیست. رژیم که با سرکوب خونین مردم در پی افکندن رعب و ترس در میان مردم بود، خود اینک در ترس و نگرانی از کنش های بعدی است.

روحانی رئیس جمهور رژیم در بین گفتگویی که به هنگام سفر به استان آذربایجان شرقی داشته، اشاراتی هم به قضایای مربوط به سه برابر کردن قیمت نفت و نقش خودش در آن نمود. او در اظهاراتش پس از یاوه گویی به مردم شرکت کننده در خیزش سراسری و "اشرار" خواندن آنها، گفته است که خود او هم مانند بقیه مردم از اعلام گران شدن قیمت بنزین بی اطلاع بوده است و قبلا اختیار زمان اعلام و جزئیات مصوبه بنزین را به، شورای امنیت کشور و وزیر کشور واگذار کرده این قسمت از سخنان روحانی آنقدر فریب کارانه بود که حتا نزدیکترین متحدان حکومتی وی هم نتوانستند نسبت به آن بی تفاوت بمانند و به آن اعتراض نکنند. اعتراض به سخنان وی البته محدود به طرفداران حکومتی وی نماند و رقبای محافظه کار وی نیز به سختی بر وی تاختند.



اظهار بی اطلاعی روحانی در حالی مایه شگفتی و اعتراض عده زیادی شد، که وی در سخنرانی هایی که از هنگام شروع اعتراضات داشت بدون هیچ قید و شرطی مسئولیت این تصمیم را به همراه دو تن دیگر سران سه قوه پذیرفته بود و از سرکوب و کشتار مردم معترض به صراحت و با همان الفاظ و ادبیات خامنه‌ای بیشرمانه دفاع کرده بود.

عقب نشینی ظاهری روحانی از مواضع قبلی اش و تلاش برای کاستن از نقشی که در افزایش قیمت و جنایات وحشیانه‌ای که علیه معترضین داشته در واقع از علائم آشکار شکست رژیم در این قضایا است. البته همین حال و روز را می توان در میان عناصر وابسته به هر دو جناح حکومت با اندکی دقت در موضوعی که می گیرند دید. خود خامنه‌ای هم با وجود ایستادن روی حرفهای اولیه اش کمتر از روحانی و دیگران نگران نیست. به نقل از او گفته‌اند، که به یکی از کسانی که از او سوال کرده چرا با افزایش قیمت موافقت کرده است، گفته: چه کار دیگری می توانستم غیر از آن بکنم. "نقل به معنی". همچنین گفته می شود بسیاری از نمایندگان مجلس هم با این طرح موافقت نداشته‌اند. رئیس قوه قضائیه نیز آنطور که گفته با اجرای ناگهانی این طرح موافق نبوده است و سعی کرده مسئولیت آن را به گردن دولت به تنهایی بیندازد. سایر محافظه کاران هم که بر خلاف اصلاح طلبان سکوت نکرده‌اند و دارند انتقادات شآن در این خصوص را مطرح می کنند، کم و بیش موضع رئیسی را نشخوار می کنند.

عده‌ای از نمایندگان مجلس پس از تسلیم شدن ذیلان به خامنه‌ای که باور چندانی به عملی شدن گرانی بنزین ندارند، این روزها صحبت از لایحه جدیدی می کنند که با آن قیمت بنزین را به ۱۵۰۰ تومان کاهش دهند. ادامه جنبش های مردمی در عراق و لبنان نیز که علاوه بر عدالت خواهی نفوذ دخالترانه حکومت خامنه‌ای را نیز نشانه رفته‌اند و خامنه‌ای نمی تواند آنها را مانند مردم ایران سرکوب کند نیز به نگرانی های حکومت دامن می زند. حکومت با همه رجزخوانی های خامنه‌ای و سرداران سپاهی اش ناتوان تر از آن هستند که بتواند در مقابل این جنبش ها پایداری کنند. جنبش های ریشه‌دار مردمی را هیچ قدرت ستمگری هر چقدر هم مسلح به ابزار سرکوب باشد، نمی تواند از میدان مبارزه اجتماعی بیرون براند.

این یک عقب نشینی در مقابل خیزش دلاورانه مردم است که در حال شکل گیری است و همه عوامل حکومتی به استثنای سرداران سپاه امنیتی ها و خامنه‌ای، می کوشند نقش خودشان را در این قضایا کمرنگ کنند.

مخالفت با خامنه‌ای و دستگاه استبدادی و سرکوبگرش در جریان تظاهرات که در شعار "مرگ بر خامنه‌ای" و "دیکتاتور حیا کن، مملکت را رها کن" بیان می شد حاکی از نفرت عمومی نسبت به رژیم او ست. در این میان اما روحانی و دارو دسته وی با نقشی که در سرکوب و خیانت به سه جنبش ده سال گذشته داشته‌اند، بازنده اصلی هستند. آنها از سوی مردم رانده و از حکومت هم درمانده‌اند، ته مانده نفوذی را که در جامعه بواسطه شعارهایشان داشتند از دست داده‌اند و بسیاری از کسانی که در انتخابات گذشته به آنها رای داده بودند، از آنها روی برگردانده‌اند.

در این میان عده‌ای از طرفداران روحانی که علائم سقوط وی را مشاهده می کنند. می کوشند خیزش مردم را به حساب تحریک جناح رقیب روحانی و کودتا علیه او جا بزنند و وی را در این سرکوبها بی تقصیر نشان دهند. این در حالی است که روحانی و دولت وی با پیروی از دستورالعمل های بانک جهانی و الگوبرداری از سیاستهای نئولیبرالی ۶۰ میلیون نفر از جمعیت کشور را محتاج نان شب شان کرده‌است. او بیرحمانه دست در دست خامنه‌ای می کوشد تا با سرکوب خیزش های زحمتکشانش موانع پیشبرد سیاستهای ضد مردمی حکومت را از سر راه خود بردارد.

خیزش سراسری تا کنون به رغم سرکوب مسلحانه آن توسط حکومت، چند ارمغان و دست‌آورد بسیار مهم برای مردم ایران داشته است. تثبیت جنبش اجتماعی دی ماه ۹۶ به مثابه جنبشی بکلی مستقل از جناح های حکومتی و مبری از دخالت های خارجی، تقویت همبستگی، همگرایی و مقاومت در میان مردم! این چهار عامل شاخص ترین دستاوردهای خیزش آبان ماه و از عوامل پایداری و نیرومند ماندن خود این خیزش هستند. دست آوردهایی که تنها در بستر و پویای جنبش های مردمی بطور واقعی بوجود می آیند و وجودشان برای پیشروی جنبش های ضد دیکتاتوری و عدالت خواه اکیدا الزامی است.

اسیران خیزش در شکنجه خانه های رژیم جنایتکار و خانواده‌ها آنها و جان باختگان تنها نخواهند ماند. میلیونها ایرانی آزاده و عدالتخواه در مقابل عوامل این جنایات ساکت نخواهند نشست!

**همه با هم به حمایت از بازداشت شدگان و خانواده‌های جان باختگان
خیزش سراسری برخیزیم!**



استراتژیهای اتحادیه های کارگری معطوف به کار نامتعارف - بخش هشتم

اما سروینو

مرکز اسپانیایی مطالعات تخصصی در علوم اجتماعی



۲. استراتژی اتحادیه ها نسبت به کارگران نامتعارف: یک چارچوب تحلیلی - ادامه

- عوامل نهادی و سازمانی

چنان که در بالا اشاره شد، بافتارهای نهادی و سازمانی نیز در درک استراتژیهای اتحادیه های کارگری متوجه کارگران نامتعارف دارای اهمیت بسیار اند. بنابراین در اینجا بر آن عواملی که به زعم من در این چارچوب دارای بیشترین اهمیت اند، می پردازم. برای سهولت بیان، این عوامل را به دو مقوله کلی تقسیم کرده ام: عوامل درونی، که منبعث از سازمان اتحادیه اند، و عوامل بیرونی که از نهادها و سازمانهای غیر از اتحادیه ناشی می شوند.

عوامل درونی

استراتژیهای اتحادیه های کارگری متوجه کارگران نامتعارف وابسته به آن است که این استراتژیها منافع اعضای آنها را چگونه و تا چه میزان تحت تأثیر می گیرند. در صورتی که اعضای یک اتحادیه در این یا آن استراتژی خطری برای موقعیت کاری خودشان حس کنند، آنگاه نمایندگی اتحادیه از کارگران نامتعارف دشوار خواهد شد. چنین وضعی می تواند پیش آید اگر دفاع از منافع کارگران نامتعارف مستلزم فداکاری اعضای اتحادیه باشد. درست برعکس، در صورتی که دفاع از منافع کارگران نامتعارف با منافع اعضا همجهت باشد، نمایندگی از کارگران نامتعارف تسهیل خواهد شد.

سازمان درونی اتحادیه های کارگری نیز می تواند استراتژی آنها را در رویکرد به سوی کارگران نامتعارف تحت تأثیر قرار دهد. این حالت می تواند پیش آید که ساختار سازمانی یک اتحادیه برای نمایندگی از کارگران نامتعارف مناسب نباشد، مثلاً به این دلیل که ساختارهای مذکور در بخشها و شرکتهایی که این گروه کارگران پرشمار اند، به کفایت قدرتمند نیستند؛ یا مثلاً به این دلیل سطوح متفاوت سازمان اتحادیه از هماهنگی لازم برای انجام چنین وظایفی برخوردار نیست(1).

عوامل بیرونی

همچنین وجود رقابت در بین اتحادیه ها نیز می تواند بر استراتژیها در رویکرد به کارگران نامتعارف مؤثر افتد. بنا بر برخی تحقیقات، رقابت بین اتحادیه ها می تواند به آنجا بیانجامد که این سازمانها فعالیت شان را بر دفاع از منافع اعضای شان متمرکز کنند. بنابراین در وجود رقابتهای بین اتحادیه ای، امکان نمایندگی از کارگران نامتعارف تضعیف می شود. با این حال در برخی از موارد آشکار شده است که این رقابت در راستای دفاع از منافع کارگران نامتعارف مثبت عمل کرده است(2). تأثیر رقابتهای بین اتحادیه ها بر استراتژی آنها نسبت به کارگران نامتعارف نیاز به مطالعه عمیقی به مراتب بیشتری، که تا کنون انجام شده است، دارد.

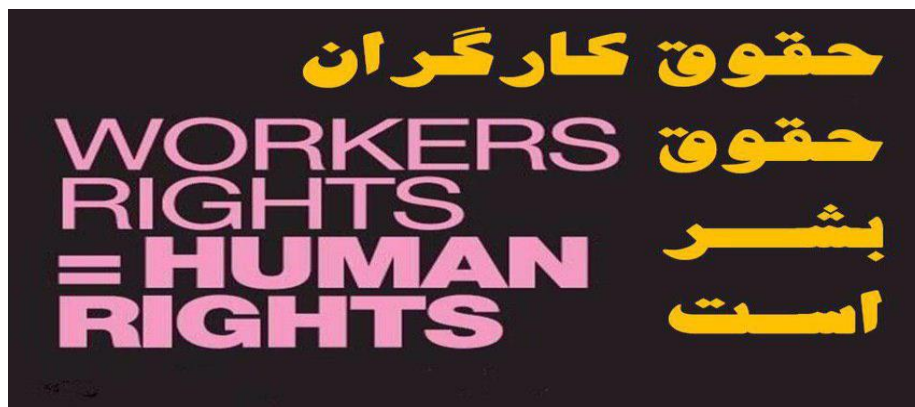
آمادگی کارفرمایان برای مذاکره با اتحادیه های کارگری نیز عامل بیرونی دیگری است که قطعاً باید در نظر گرفته شود. نمایندگی از کارگران نامتعارف تسهیل خواهد شد اگر که کارفرمایان آماده مذاکره با اتحادیه ها باشند. برعکس اگر کارفرمایان خواهان



مذاکره با اتحادیه بر سر شرایط کار کارگران نامتعارف نباشند، آن گاه نمایندگی از این کارگران توسط اتحادیه ها دشوار خواهد شد(3).

بنابراین استراتژی اتحادیه های کارگری در رویکرد نسبت به کارگران نامتعارف از یک سو به ترکیبی از مشوقهای مختلف و از سوی دیگر به بافتار نهادی و سازمانی آنها، بستگی دارد. پس استراتژی فراگیر را در زمان و مکانی می توان سراغ گرفت که اتحادیه ها اولاً از مشوق کافی برای نمایندگی کارگران نامتعارف بهره مند شوند، و ثانیاً عوامل نهادی و سازمانی امکان چنین استراتژی را فراهم آورده باشند. یک استراتژی نیمه فراگیر زمانی عرضه می شود که اتحادیه ها از مشوق لازم برای حمایت از کارگران نامتعارف برخوردار شوند، اما بافتار نهادی و سازمانی آنها مانع از عملی شدن کامل این حمایت باشند. در این حالت نمایندگی از کارگران نامتعارف موردی و ناکامل خواهد بود. سرانجام، یک استراتژی بسته زمانی بروز می یابد که اتحادیه یا ابداً مشوقی در نمایندگی این گروه از کارگران نداشته باشد، یا در صورت داشتن مشوق، مطلقاً فاقد عوامل نهادی و سازمانی مناسب برای نمایندگی از کارگران نامتعارف باشد.

- (1)- بنا به تحقیقات ساسکیس، کاهش دستمزدها برای افزایش استخدام در صورتی ممکن است که قراردادهای جمعی به طریقی هماهنگ شده در سطوح مختلف اتحادیه ها عقد شده باشند.
- (2)- تحقیقات ایزرو نشان می دهند که چگونه استراتژی ای که این یا آن اتحادیه، در قیاس با یک اتحادیه رقیب، برای عرضه حمایت بیشتر تدوین می کند، شامل دفاع از منافع کارگران موقت نیز می شود.
- (3)- در تحقیقات ایزرو به مثالهای متعددی از تأثیر این متغیر بر ظرفیت نمایندگی اتحادیه های کارگری برمی خوریم. در یکی از شرکتی که او دست به تحقیق در آنها زده است، کارفرما تمایلی به مذاکره با اتحادیه ها برسر کاهش دستمزدها به ازای تبدیل قراردادهای موقت به قرارداد قطعی ندارد. دلیل این بود که مدیران پیش بینی کرده بودند که شرکت در کوتاه مدت با زیادی نیروی کارمواجه خواهد شد.



فعالین کارگری و مدنی را آزاد کنید!



کارگران ایرانی در قتلگاه کارگری قطر؛ سو استفاده جدید حکومت از کارگران مراد رضایی



در زمینه اقتصاد ملی، همواره این تصور وجود دارد که صادرات، کمک حال اقتصاد است و می‌تواند تولید ناخالص ملی را افزایش بدهد. این تلقی به ویژه از زمانی تقویت شد که کشورهای توسعه یافته به ویژه در غرب توانستند با رشد صادراتی، هژمونی سیاسی خود را نیز تقویت کنند. تلاش برای به دست آوردن بازارهای شرق، دلیل اصلی جنگ‌های بسیاری میان دولت‌های اروپایی بوده است و همین امر تصویری اتوپیایی از صادرات می‌سازد.

اما واقعیت این است که صادرات انواع و سطوح مختلفی دارد. صادرات ایران عمدتاً به شکل خام فروشی نفت و مواد معدنی است که به دلیل نبود تکنولوژی پیشرفته در کشور، حکومت با خام فروشی، یعنی صادرات در شکل اولیه، منابع ملی را برای پر کردن کسری بودجه‌های ناشی از فساد و ناکارآمدی، با قیمت بسیار پایین می‌فروشد. هر چند بحران جهانی‌ای که دامنگیر جمهوری اسلامی شده است، حتی امکان این خام فروشی را نیز محدود کرده است.

موضوع این مقاله، صادرات به صورت عام نیست. شکل خاصی از صادرات، که مختص فقیرترین کشورهای جهان است، این روزها توسط جمهوری اسلامی انجام می‌شود: صادرات کارگر غیر ماهر!

در این وضعیت، با توجه به افت ارزش پول ملی ایران، حکومت به میانجی شرکت‌های خصولتی و فاسد، جان کارگران را ابزار مال‌اندوزی و انباشت سرمایه می‌کند و کارگران که امیدی به یافتن کار در کشور ندارند را، برای کار به کشورهای دیگر می‌فرستد. اینبار مقصد قطر است!

برای روشن شدن موضوع بگذارید از وضعیت این روزهای قطر بگویم. جام جهانی 2022 در قطر برگزار خواهد شد. این کشور کوچک، با منابع نفتی بزرگ، تا پیش از تصمیم‌گیری برای برگزاری این رویداد ورزشی در این کشور، هیچ‌گونه زیر ساخت توریستی و ورزشی نداشت. بنابراین با صرف میلیاردها دلار تصمیم گرفت در مدت کوتاهی این زیر ساخت‌ها را ایجاد کند.

این تصمیم حاکمان قطر برای ایجاد سریع زیرساخت‌های ورزشی شامل تاسیس ورزشگاه‌های عظیم و همچنین هتل‌ها و شهرک‌های ورزشی، با قربانی کردن کارگران خارجی در حال انجام است. طبق آمار تا کنون 1400 کارگر نپالی، زیر فشار سنگین کار قطر جان خود را از دست داده‌اند. رقم بسیار بزرگ است. اما برای کسانی که پول را مهمتر از جان انسان‌ها می‌دانند، رقم‌های بزرگ‌تر از این نیز تاثیری بر عدم انتقال کارگران به قطر نخواهد داشت.

پس فجایع کارگری در قطر، بسیاری از کشورها از انتقال کارگران ساختمانی به این کشور منصرف شدند. اما اقتصاد بحران‌زده ایران، حاکمان ایران را به این فکر انداخته است که اینبار برای جذب مقادیری منابع مالی، روی جان کارگران ایرانی قمار کند. طبق آمار در حال حاضر 120 شرکت خصولتی ایرانی، با رانت سپاه، کارگران ایرانی را برای کار در این کشتارگاه کارگران اعزام می‌کنند.

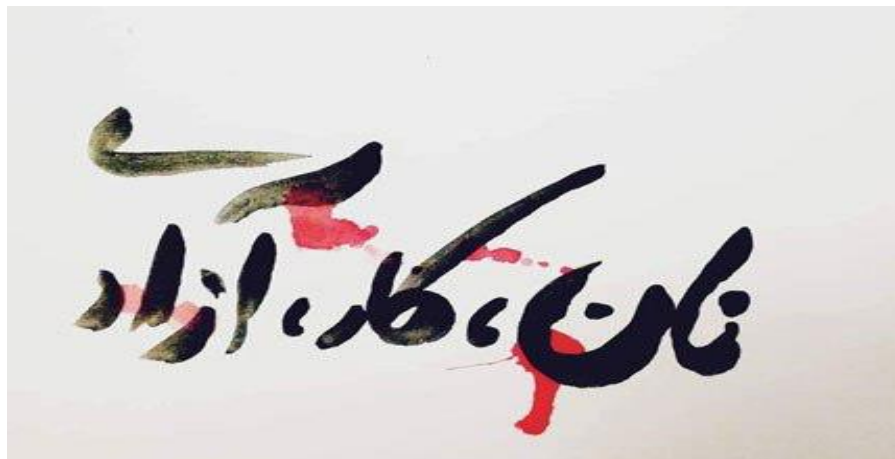


سیف زاده، نماینده شورای مرکزی سازمان نظام مهندسی در این زمینه گفته است: فرصت سرمایه‌گذاری در قطر بسیار زیاد است، به طوری که پروژه‌های عمرانی متعددی در آستانه برگزاری جام جهانی تعریف شده، به طوری که در این بخش 160 میلیارد دلار پروژه ساخت و ساز در دستور کار است که مهندسان ایرانی می‌توانند سهم قابل توجهی از این کیک اقتصادی داشته باشند.

او عمداً به مساله‌ی مهندسی اشاره می‌کند. در حالی که کارگران ایرانی، قرار است در خط مقدم این سودجویی باشند. بنابراین قربانی شدن کارگران برای مسئولین جمهوری اسلامی، امری حاشیه‌ای و نا مهم شناخته می‌شود.

قطر تنها مقصد کارگران ایرانی نیست. کویت، سنگاپور، ترکیه و عراق نیز تحت نظر شرکت‌های اقماری سپاه پاسداران، به محل اشتغال سنگین کارگران ایرانی بدل شده‌اند. کارگرانی که بدون بهره‌مندی از هیچگونه حقوق اجتماعی به شکل برده در پروژه‌های سپاه در این کشورها کار می‌کنند.

جمهوری اسلامی می‌خواهد بحران اقتصادی خود را از طریق کارگران حل کند. این مساله از وضعیت سخت معیشتی کارگران در ایران، افزایش قیمت بنزین، و گرانی فزاینده آغاز می‌شود. اما به همین‌جا ختم نمی‌شود. رجوع دوباره به روش‌های برده‌داری در قالبی مدرن و با نام پروژه‌های مهندسی نیز بخش دیگری از سو استفاده‌ی دولت از کارگران است که یا به صورت چراغ خاموش انجام می‌شود و یا از آن به عنوان اقتدار و توانمندی تعبیر می‌شود.



کارگران، معلمان، فعالین مدنی و دانشجویی زندانی را آزاد کنید!



هچلی که سرکوبگران برای خود درست کردند! صادق



پس از آغاز تظاهرات سراسری علیه گرانی بنزین که به سرعت به یک خیزش مردمی علیه کل حاکمیت تبدیل شد و ارکان نظام را به لرزه انداخت، مسئولین دولتی سراسیمه خبر از اختصاص تمام درآمدهای ناشی از افزایش قیمت بنزین به ۱۸ میلیون خانوار فقیر کشور یا بقول خودشان ۶۰ میلیون نفر جمعیت نیازمند به کمک معیشتی دادند. آنها بارها گفتند و نوشتند که حتی یک ریال از این درآمد به جیب دولت نخواهد رفت و همه آن صرف بهبود معیشت مردم خواهد شد. در اوج اعتراضات سراسری آنها خبر از شروع واریز کمک معیشتی نقدی به حساب مردم نمودند. اعلام فی البداهه این خبر و متعاقب آن اعلام واریز شدن کمک ها به حساب مردم هر دو وسیله‌ای بودند برای انداختن شکاف در میان جمعیت معترض و آسانتر کردن سرکوب خونین خیزشی که با عملیات کربلا چهار، جنگ جهان علیه حکومت و فتنه خارجی از طرف مسئولین خرد کلان نظام از خامنه‌ای و روحانی گرفته تا سرداران سپاه و امامان جمعه قیاس شد. همه مردم می دانستند که مقصود از افزایش قیمت بنزین تامین بخشی از کسری بودجه دولت است و قرار نیست چیز دندان گیری از بابت این شوک درمانی به ۶۰ میلیون مردمی که در اثر سیاستهای رژیم و غارت سرمایه های ملی نیازمند نان شب شان شده‌اند، تعلق بگیرد. این گونه شوکها که از طرف بانک جهانی و صندوق بین المللی توصیه و توسط حاکمان گوش بفرمان کشورهای امثال، ایران و عراق و غیره به اجرا گذاشته می شوند هیچگاه در هیچ کجا نه تنها به بهبود شرایط معیشتی و رفاهی اکثریت مردم کمک نکرده، بلکه به فقر و فلاکت و فشارهای متعدد دیگر مردم عادی افزوده است. طنز قضیه در این است که این طرح ها توسط کسانی با زور و کشتار به اجرا گذاشته می شوند، که چهل سال است، فریاد ظاهری "استکبار ستیزی" و "مستضعف پناهی شان گوش عالم و آدم را کر کرده است! این دوگانگی در حرف و عمل نشان دهنده فریبکار بودن این جماعت کذاب و خیانتکار به مردمان است.

اینک با گذشت کمتر از دو هفته از دادن این وعده و آغاز اجرای آن هنوز به درستی معلوم نیست که چه تعداد از نیازمندان از این کمک بهرمنند شده‌اند. آمارها دست خودشان است و هر جور که بخواهند آنرا در جهت اهداف شان تغییر می دهند. اما آنچه که تا کنون روشن شده است این است که هنوز اصلی ترین گروه‌های اجتماعی فقیر از آن بی بهره مانده‌اند و مسئولین دولتی با گذاشتن ده‌ها شرط و شروط بر سر راه نیازمندان در حال طفره رفتن از اجرای قول و قرارهایشان هستند.

رئیس کانون عالی انجمن های کارگری در مصاحبه مطبوعاتی اش در روز پنج شنبه همین هفته گفته است، قیمت کالاها ۳۰ تا ۴۰ درصد بعد از گرانی بنزین بالا رفته ولی به هیچ یک از کارگران ساختمانی کمک معیشتی داده نشده. یکی از مسئولین انجمن صنفی خبازان مریوان با اشاره به دستمزدهای کارگران خباز که حدود ۱.۵ میلیون در ماه است، گفته است، پولی از بابت "بسته کمکی معیشتی" که قرار بوده به صورت نقدی به حساب ها واریز شود، به حساب هیچ یک از کارگران خباز واریز نشده است. خبرگزاری ایلنا در گزارش دیگری خبر از تعلق نگرفتن این کمک به بازنشسته حداقل بگیري که بیمار سرطانی هم هست و خرج دارو و درمان اش را هم باید خودش بپردازد، داده است. مسئولین وزارت کار گفته‌اند، ۵.۵ میلیون شکایت از بابت تعلق نگرفتن کمک ها دریافت کرده‌اند. اینها تنها بخش کوچکی از اعتراضات و خیرهای مرتبط با آن هستند. بی گمان عده زیاد دیگری هم وجود دارند که صدای شان هنوز در نیامده و یا اگر معترض هستند، منعکس نشده‌اند. بر اساس معیارهای که از طرف وزارت تعاون، رفاه و کار منتشر شده، می بایستی این کمک به حساب این گروه ها که جزء نیازمندترین گروه های جامعه هستند واریز



می شد، اما در مورد اینکه چرا نشده؟ هنوز مسئولین دولتی جواب درستی به معترضین نداده‌اند. هم چنان که اشاره شد این وعده بطور ناگهانی و بصورت ترفندی در کنار کشتار برای مقابله با خیزش مردمی مطرح شد. به این اعتبار این خود یک عقب نشینی در مقابل مردمی است که این خیزش را خلق کردند. بهمین جهت میدان اعتراضی تازه‌ای به وسعت ۶۰ میلیون نفر را بوجود آورده که می بایست از آن برای مقابله با حکومت و گرانی‌ها استفاده کرد.

گذشته از اینکه قصد دولت از دادن این وعده دادن کمک به نیازمندان بوده یا ترفندی موقتی برای کاستن از دامنه اعتراضات، دولت با این وعده خودش را در هچلی انداخته که خلاصی از آن به راحتی میسر نیست! آنها در واقع اگر بخواهند به وعده شان عمل کنند با مشکل غامض کسر بودجه شان چه کنند؟ و اگر بخواهند از زیر بار آن شانه خالی کنند، راه را برای دامن گرفتن اعتراضات معیشتی هموار می کنند! و اگر مجبور به اجرای آن شوند ناچارند از وسعت مشمولین آن بکاهند که در آنصورت هم باید سعی کنند با گران کردن قیمت‌ها و کاستن از خدمات دولتی این کار را انجام دهند که در آن صورت هم به اعتراضات معیشتی دامن خواهد زد. نیاز به گفتن نیست که حتی اجرای تمام و کمال این وعده، نه به رهایی ۶۰ میلیون انسان از قید فقر و فلاکت رژیم ساخته منجر خواهد شد و نه از دامنه اعتراضات کم می کند. کما اینکه اجرای طرح یارانه های نقدی که احمدی نژاد و خامنه‌ای به اجرا نهادند و با تشویق و تمجید مقامات بانک جهانی مواجه شد، نتیجه‌ای جز فقر و فلاکت بیشتر کارگران و زحمتکشان نداشت. خلاصه اینکه کشتار داعش گونه بی چیزان و به زندان بردن هزاران نفر از آنان نه تنها به خیزش بی چیزان و ستمدیدگان علیه فقر و گرانی و بی عدالتی پایان نخواهد داد، بلکه به ادامه آن در اشکال متنوع دامن خواهد زد و تا به زیر کشیدن جنایتکاران و مستبدان حاکم از قدرت پیش خواهد رفت. این نه پایان خیزش، که آغاز آن است!



همه با هم از حقوق سندیکایی و از مبارزات و مطالبات کارگران دفاع کنیم!



گزارش ویژه: "ما را به حساب آورید! (1) - بخش سیزدهم

فهم نقشه راه - تقویت دموکراسی در ساختار درونی اتحادیه

نامارا گاسی

ترجمه گودرز



شبهه ها سنگ پله های رسیدن به رهبری

اهمیت ایجاد شبکه هایی از زنان در اتحادیه های صنفی را نمی توان به اندازه کافی مورد تاکید قرار داد. چه در سطوح محلی و منطقه ای و چه در سطح ملی و بین المللی، بصورت آنلاین و حتی در ارتباطات سنتی حضور رو در رو، شبکه ها نه تنها به زنان اجازه می دهند که در تصمیم گیری و برنامه ریزی های راهبردی شرکت کنند و به حمایت از یکدیگر برخیزند، بلکه مهم تر این که از این طریق می توانند برای بسیج انتخاباتی و رسیدن به رده های انتخابی بالا در اتحادیه تلاش کنند. کسانی در داخل اتحادیه ها هستند که خواهند پرسید: "چرا شما به یک دپارتمان دیگر برای تفاوت جنسیتی نیاز دارید؟" و یا "هدف از تشکیل یک کمیته ویژه زنان چیست؟" در پاسخ باید بگوییم این ساختار برای ایجاد فضای امن برای زایش و رشد سیاست های برابری جنسیتی ضروری و برای ارتقاء جایگاه نسل بعدی زنان در نردبان رهبری حیاتی هستند. یکی از بزرگترین چالش ها اما این است که به اتحادیه ها تفهیم نمود که تامین نوعی عدالت جنسیتی در تمامی رده های تشکیلاتی و ساختاری اتحادیه برای تحول موفقیت آمیز جنبش به فضای برابر برای همه لازم است.

نمونه اوکراین

برگزار شده و چارچوب ITUC یک مثال در سطح بین المللی، کنفرانس جهانی زنان/ نشست سازماندهی زنان است، که وسیله عملی برای ساختن "قدرت زنان کارگر" در چهارسال آینده را طراحی می کند. این قرار بعدا باید در اولویت های راهبردی کنگره و برنامه عمل کمیسیون زنان کنگره بکار ITUC بین المللی اتحادیه ها ادغام و تبیین شده و در سیاست گذاری های چهار ساله گرفته شود. کنگره بین المللی چندین چشم انداز دیگر را هم برای بسیج کارگران جوان در میان زنان پیش می برد، از جمله بسیج "تصمیم برای زندگی"، که هدف تقویت نقش زنان بین 18 تا 35 سال را در کنگره سراسری را پیش می برد. برای ناتالیا، پیوستن به "تصمیم برای زندگی" در سال (KVPU) لویتسکا جانشین دبیر کنفدراسیون اتحادیه های صنفی آزاد در اوکراین، 2008 یک نقطه محوری در جایگاه حرفه ای او بود. "این تصمیم واقعا به من و سایر زنان عضو اتحادیه ها کمک کرد تا توانایی های خود را برای رهبری توسعه دهیم." برای وی استفاده از جنبش "تصمیم برای زندگی" نقش سنگ پله ای در راه رسیدن به جایگاه فعلی خود در اتحادیه بود، لویتسکا همزمان دبیر اتحادیه صنفی مستقل کارگران معادن اوکراین، و نایب رئیس شورای منطقه ای نیز هست. وی همچنین می گوید که از حمایت و کمک های رئیس اش میخائیل ولینتس پریزبنت ITUC اروپایی کنگره جهانی نیز باید سپاسگزار باشد. KVPU اتحادیه

وقتی که پروژه در اوکراین شروع شد، KVPU هرچه در توان داشت انجام داد تا به زنان در سازماندهی و رسیدن به جایگاه های بالا در اتحادیه ها کمک کند. در نتیجه افزایش سهم زنان در رهبری اتحادیه ها در کل به 30% رسید و حتی در اتحادیه های بخش پایه مانند معادن ذغال سنگ هم، که صنعتی عموماً مردانه است، افزایش یافت.



زنان مذاکره کننده و اولویت های جنسیتی در چانه زنی

نمونه اندونزی

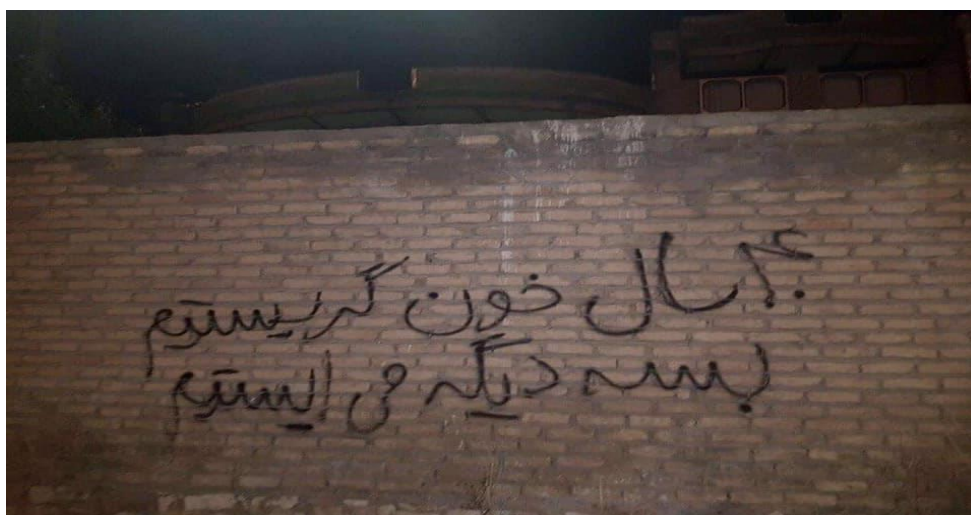
در اندونزی، می گوید: "ساختار شبکه ها، قرار های تامین سهمیه حداقلی، و آموزش و KSBSI لیلیفنا، دبیر کمیته زنان تربیت در همه سطوح اتحادیه در سراسر کشور نقش حیاتی در بهبود وضعیت زنان کارگر داشت. علاوه بر این آزمون ها و راست به آموزش و تربیت زنان برای رهبری هم همت گماشته است." اما به روایت لیلیفنا "موثرترین کار اتحادیه KSBSI آزمایمی ها تشکیل کمیسیون برابری جنسیتی و زنان بوده است، که از سه زن و دو مرد در 23 ناحیه کشوری تشکیل شد. ما دو برنامه مهم اجرا می کنیم؛ یک تاکید بر مشاوران در امور جنسیتی، و دیگری با توجه به مذاکرات جمعی در نگاه برابری جنسیتی. اولی برای تمام زنان کارگر و کل جامعه مدنی ست. ما 15 مشاور امور جنسیتی در 15 ناحیه داریم که زنان می توانند با آنها بوسیله تلفن و یا پیغام کوتاه تماس بگیرند و در باره مشکلات جنسیتی مشورت بخواهند."

حدوداً چهار سال پیش، KSBSI اندونزی برنامه ای را شروع کرد که حضور زنان در مذاکرات جمعی را در سطح کارگاهی هدف قرار می داد تا اطمینان حاصل شود که خواست های برابری جنسیتی مانند مهدکودک برای اطفال کارگران مد نظر قرار گیرد. "تا بحال ما 90 زن نماینده را برای مذاکرات جمعی با کارفرمایان آموزش داده ایم. در نتیجه برخی از قراردادهای جدید ما اکنون شامل فصل هایی در باره برابری دستمزد در برابر کار مساوی، ارتقاء زنان در پست های سازمانی و مرخصی زایمان است."

لیلیفنا با افتخار می گوید: "افزایش شرکت زنان در مذاکرات جمعی باعث شد بر تعداد قراردادهای جمعی در حمایت از برابری زنان در محیط کار افزوده شود. چهار قرارداد مورد نظر مواد در حمایت از برابری جنسیتی را شامل می شدند به ویژه درباره برابری دستمزد برای کار برابر که در سال 2012 امضا شده بود و چهار تای دیگر در سال 2013، یکی در 2014 و سه قرارداد نیز در سال 2015 به امضا رسید که از جمله شامل کمک های ترابری و تغذیه بهتر برای همه کارگران مرد و زن می شد. مواد مورد مذاکره در این قراردادهای جمعی 26329 زن را پوشش می داد و قراردادهای بیشتری هم اکنون در جریان مذاکره جمعی است." وی همچنین تأکید می کند که "بر اثر کار خستگی ناپذیر ما آگاهی بسیار بیشتری بر نیاز به برابری جنسیتی در مذاکرات جمعی دیده می شود، اما هنوز گنجایش کمی وجود دارد، و درسی که می توان از این گرفت آن است که نیاز به تربیت و آموزش دادن به زنان برای شرکت در مذاکرات جمعی برای قرارداد کار بسیار ضروری است."

1- گزارش کمیته زنان کنفدراسیون جهانی اتحادیه های صنفی ITUC-

https://www.equaltimes.org/IMG/pdf/women_in_leadership_en_final.pdf



مبارزه برای تشکیل سندیکاهای مستقل کارگری را گسترش دهیم!

گذر و نظری بر رویدادهای کارگری هفته جنگ کارگری



در این هفته با وجود تشدید جو امنیتی و سانسور اخبار اعتراضات کارگری و اجتماعی معینا اعتراضات کارگری در تعداد زیادی از واحدهای تولیدی ادامه داشت و کارگران مرعوب جو امنیتی و سرکوب حکومتی نشدند. ادامه اعتصاب در هفت تپه، ادامه اعتراضات در آذرباب، هپکو، کارگران شهرداری توحید واقع در استان ایلام، شرکت حمل و نقل خلیج فارس، اعتراض پرستاران به خصوصی سازی بیمارستانها، اعتراض کارگران ساختمانی، نانواپی ها و بازنشستگان به ندادن بسته معیشتی، مهمترین رویدادهای کارگری گزارش شده هفته بودند. نکته قابل تامل در اعتراضات کارگری اضافه شدن یک انگیزه دیگر به انگیزه‌های قبلی اعتصابات و اعتراضات یا همان وعده "بسته کمک های معیشتی" است که دولت بعد از گران کردن قیمت بنزین وعده آن را داده بود و بعنوان بخشی از ابزار سرکوب در بحبوحه خیزش معیشتی هفته گذشته همزمان با کشتار مردم آنرا در بوق و کرنا کرده بود.

اعتصاب کارگران هپکو که کارفرما و مسئولین دولتی انتظار داشتند با بستن درهای کارخانه به روی کارگران به پایان برسد و کارگران را برای دست کشیدن از مطالبات شان وادار به تسلیم نمایند، بی نتیجه ماند و جو امنیتی حاکم بر کشور و کشتار مردم توسط جنایتکاران 'مستضعف' کش که در خوزستان به مراتب شدت از استانهای دیگر بود و حداقل ۴۵ نفر در آن قتل عام شدند نتوانست کارگران را مرعوب و آنها را وادار به پذیرش شرایط بیگاری حاکم بر کارخانه کنند. بدنبال شکست این تلاشها، "کریم یآوری" مدیرکل حمایت از مشاغل و بیمه بیکاری وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، دوباره مجبور به دخالت شد و ضمن دادن وعده پرداخت دستمزد شهریور ماه! از کارگران خواست که به سر کارهایشان برگردند و ضمنا بر رعایت حقوق کارگران و حقانیت مطالبات صنفی و رعایت آن تاکید ورزید. این مقام دولتی در حالی از رعایت حقوق قانونی کارگران صحبت می کند و کارگران را به پیگیری خواسته هایشان از کانال های رسمی و قانونی فرا می خواند، که دهها سال است پایمال سازی حقوق کارگران ادامه دارد و همه تلاشهای مسالمت آمیز کارگران برای رسیدن به خواسته هایشان با سرکوب و زندان و اخراج توسط دولت پاسخ داده شده. در این میان وزارت کار هم همیشه طرف کارفرما را گرفته است و از وظیفه قانونی اش که نظارت بر اجرای قانون کار است طفره و حتی در امحاء قانون کار فعال بوده است. با چنین سابقه و عملکردی پیداست که کسی درخواست این مقام دولتی را جدی نگیرد و به این گونه وعده‌های تکراری اعتماد نکند. بسته ماندن کارخانه بیشتر از آنکه به زیان کارگران باشد به زیان کارفرماست و طبعاً او نمی تواند برای مدتی طولانی از سود خودش بگذرد و درهای کارخانه را به روی کارگران بسته نگه دارد.

ادامه اعتراضات در آذرباب و هپکو

در کارخانه های آذرباب و هپکو نیز اعتراضات همچنان ادامه دارد و کارگران منتظر اجرای وعده‌های مسئولین دولتی برای پرداخت دستمزدهای معوقه، اختصاص تسهیلات مالی برای از سر گرفتن تولید و لغو خصوصی سازی کارخانه های شان هستند. در کارخانه هپکو نیز وضعیت مشابه آذرباب است و همه وعده‌های داده شده به کارگران تا کنون روی زمین مانده‌اند.

خبرگزاری ایلنا به نقل از کارگران آذرباب نوشت: " جمعی از کارگران شرکت صنایع آذرباب در تماس با خبرنگار ایلنا، خواستار حل مشکلات سهامداری این واحد تولیدی شدند.



به گفته کارگران؛ با وجود اینکه دستمزد ماه‌های شهریور و مهرماه اخیراً به حساب‌شان واریز شده است، کارگران بابت عدم تحقق تعهدات نمایندگان دولت و استانداری مبنی بر تعیین تکلیف هیئت مدیره و سهامدار و عرضه سهام عمده این شرکت در بورس نگرانی دارند.

کارگران شهرداری توحید واقع در استان ایلام

کارگران شهرداری توحید در این هفته نیز برای چندمین بار در اعتراض به پرداخت نشدن چند ماه گذشته شان تجمع اعتراضی برگزار کردند. ایلام به نقل از یکی از کارگران این شهرداری نوشت " او با بیان اینکه پرداخت مطالبات کارگران مجموعه شهرداری توحید پایان سال گذشته تا ۵ ماه به تاخیر افتاده بود و پاداش و اضافه‌کاری‌ها به صورت کامل پرداخت نمی‌شد، در ادامه گفت: این موضوع باعث شد تا کارگران در ماه‌های پایانی سال گذشته برای مشخص شدن وضعیت مطالبات خود چندین تجمع اعتراضی مقابل ساختمان شهرداری برگزار کنند."

ادامه اعتراضات در شرکت حمل و نقل خلیج فارس

اعتراضاتی که در پی لغو قراردادهای رسمی کارگران حمل و نقل خلیج فارس از چند ماه پیش شروع شده بود و منجر به اخراج ۱۰۰ نفر از کارگران این شرکت شده بود همچنان ادامه دارد. در هفته گذشته پس از آنکه کارفرما با حکم بازگشت به کار عده‌ای از اخراج شدگان مخالفت کرد و حاضر به پذیرفتن آنها نشد، این کارگران دوباره اعتراض کردند. یکی از کارگران معترض به خبرنگار ایلام گفت: " در حالی من و سایر همکارانم به دنبال ایجاد شرایط برای بازگشت به کار هستیم که اخیراً احکام بازگشت به کار خود را از هیئت تشخیص و هیئت حل اختلاف اداره کار اسلامشهر دریافت کرده‌ایم با این وجود کارفرما با اشتغال دوباره ما موافق نیست." نکته قابل تامل در این بین امتناع کارفرما از پذیرش حکم بازگشت به کار اخراج شدگان است که البته به کرات اتفاق افتاده است. این امتناع نشان می‌دهد که کارفرماها در کشور آنچنان گستاخ شده‌اند که حتی احکام نهادهای قانونی کشور را هم هر جا که به نفع شان نباشد نمی‌پذیرند و بدتر از آن دستگاه‌های دولتی و قضایی هم در نهایت به کارفرماها که البته بیشترشان با مقامات دولتی و حکومتی یا خویشاوندی دور و نزدیک دارند و یا با رشوه دهان مسئولین را می‌بندند و روی آنها اعمال نفوذ می‌کنند، تمکین می‌کنند!

اعتراض پرستاران به خصوصی سازی و افزایش فشار کار در موسسات خصوصی شده

در این هفته دو گزارش مختلف از دو اعتراض پرستاران در خیرگزاری ایلام منتشر شد که حکایت از گسترش نارضایتی و اعتراض در میان پرستاران دارد. از محتوای مجموعه گزارشاتی که در مورد اعتراضات پرستاران تا کنون منتشر شده‌اند، پیداست که اکثر این نارضایتی‌ها و اعتراضات ریشه در خصوصی سازی بیمارستانها و موسسات درمانی خصوصی شده دارند. علت اکثر این اعتراضات نیز از تلاشهایی است که از طرف صاحبان این موسسات برای از بین بردن و تعدیل حق و حقوق پرستاران و افزایش شدید فشار کاری به آنها برای افزایش سود است. در واقع از میان برداشتن قانون کار به تنهایی سالیانه میلیاردها سود اضافی نصیب صاحبان موسسات خصوصی می‌کند.

ایلام به نقل از شماری از پرستاران معترض در یکی از گزارشاتی که چهارشنبه همین هفته منتشر شد نوشت: "... از زمزمه‌هایی که در مورد برون سپاری اورژانس بیمارستانها و خدمات اورژانسی به گوش می‌رسد، خبر دادند... این پرستاران گفتند: جامعه پرستاری با هر نوع برون‌سپاری خدمات اورژانسی که موجب نادیده گرفته شدن حق و حقوق پرستاران و کادر درمان می‌شود، مخالفت دارد." در گزارش دیگری که سه شنبه همین هفته در همین خیرگزاری منتشر شد، پرستاران اتاق عمل یکی از بیمارستانها نسبت به افزودن تزریقات به وظیفه شان اعتراض و گفتند این افزایش وظیفه موجب فرسودگی و خستگی بیش از حدشان می‌شود. کارفرما در واقع آنچه برایش اهمیت دارد سود بیشتر است و برایش سلامتی پرستار و بیمار اهمیت چندانی ندارد.

بسته کمک معیشتی عرصه دیگری برای دامن زدن به اعتراضات معیشتی!

وعده پرداخت درآمد ناشی از گران کردن قیمت بنزین که از بدو امر محرز بود وسیله‌ای است برای پیشگیری از اعتراضات علیه گرانی بنزین، خود به عرصه دیگری برای پیگیری مطالبات معیشتی توسط زحمتکشان تبدیل شده است. علت این اعتراضات هم خلف وعده‌های دولت و گذاشتن شروط مختلف برای پرداخت این کمک هاست. در واقع گذاشتن شرط و شروط های مختلف بهانه ای است برای توجیه طفره دولت از وعده هایش. از اعتراضاتی که از طرف نانوایان شهر مریوان، انجمن های کارگران ساختمانی و بازنشستگان صورت گرفت معلوم شد که به بهانه های مختلف هیچ کدام از این گروه ها که جز کم درآمدترین زحمتکشان هستند، بسته کمک معیشتی تعلق نگرفته است و همین موضوع موجب اعتراض آنها شده است. معلوم نیست که اگر کم درآمدترین ها مشمول این طرح نشده‌اند، این بسته قرار است شامل چه کسان دیگری بشود. این اعتراضات که در امتداد خیزش سراسری آبان علیه گرانی صورت می‌گیرند نشان می‌دهند که با وجود کشتار صدها نفر و مملو شدن زندان ها از شرکت کنندگان در خیزش همچنان ادامه دارد و همه نقشه های حکومت برای تحمیل گرانی های تازه را نقش بر آب می‌کند.



اعلام شمار قربانیان بیماری های شغلی

آماري که در میانه این هفته در مورد قربانیان بیماری های شغلی در کشور منتشر شد، حاکی از آن است که شمار کارگرانی که در اثر بیماریهای شغلی بواسطه رعایت نکردن قوانین و مقررات بهداشتی و ایمنی کشته می شوند و در آمارها به ندرت از آنها نام می برند، ۶ برابر کسانی است که در اثر حوادث شغلی کشته می شوند. البته آمار های رسمی هیچگاه ابعاد واقعی مسئله را منعکس نمی کنند. با این همه همین آمارهای سر و دم بریده حکایت از افزایش مداوم قربانیان حوادث و بیماری های شغلی دارند. بنا به گزارشی که چند هفته پیش توسط پزشک قانونی منتشر شد، در سال گذشته تعداد کشته شدگان در محیط های کار ۷،۵ درصد طی یک سال افزایش یافته است. صرفه جویی به منظور افزایش سود، عدم اجرای مقررات و قوانین و مجازات نشدن کارفرمایان و ممنوعیت فعالیت سندیگاههای کارگری واقعی و مستقل، از دلایل افزایش مداوم قربانیان محیط های کار هستند.

*** برای تماس با نشریه "جنگ کارگری" می توانید با آدرس زیر تماس بگیرید:**

sabosob@gmail.com

*** "جنگ کارگری" نشریه گروه کار کارگری حزب چپ ایران (فدائیان خلق) را می توانید در آدرس زیر ببینید:**

<https://bepish.org/taxonomy/term/457>



خیزش سراسری مردم سرکوب شدنی نیست، مبارزه ادامه دارد!